

سربازان ساسانی
در جامعه اسلامی

به دنیل شیبه
نویسنده

ترجمه این کتاب را به روان مینوی پدرم تقدیم می‌کنم،
او که عشق به تاریخ این سرزمین را به من آموخت.
مترجم

-
- Zakeri, Mohsen سرشناسه: ذاکری، محسن
عنوان و نام پدیدآور: سربازان ساسانی در جامعه اسلامی: خاستگاه‌های عیاری و فتوت/محسن ذاکری؛
ترجمه حمیدرضا پیغمبری.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۲۹-۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- یادداشت: عنوان اصلی: Sāsānid Soldiers in early Muslim society: the origins of 'Ayyārān and Futuwwa, 1995.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۰۷-۳۲۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.
- موضوع: طبقات اجتماعی — ایران — تاریخ — از آغاز تا ۱۵۰۰ م.
Social classes -- Iran -- History -- To 1500
موضوع: فتوت — سرزمین‌های خلافت اسلامی
Futuwwa (Islamic social groups) -- Islamic Empire
موضوع: عبارات
موضوع: 'Ayyārs
- موضوع: ایران — تاریخ — از آغاز تا ۶۴۰ م.
Iran -- History -- To 640
موضوع: ایران — تاریخ — ۲۰-۶۵۴ ق.
Iran -- History -- 640-1256
موضوع: سرزمین‌های خلافت اسلامی — تاریخ نظامی
Islamic Empire -- History, Military
شناسه افزوده: پیغمبری، حمیدرضا، ۱۳۵۹، مترجم
رده‌بندی کنگره: DS۲۷۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۶۲۹۱۹۶
-

سربازان ساسانی
در جامعه اسلامی
خاستگاه‌های عیاری و فتوت

محسن ذاکری
ترجمه حمیدرضا پیغمبری



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Sāsānid Soldiers in Early Muslim Society
The Origins of 'Ayyārān and Futuwwa

Mohsen Zakeri

Wiesbaden, Harrassowitz Verlag, 1995



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

محسن ذاکری

سربازان ساسانی در جامعه اسلامی

خاستگاه‌های عیاری و فتوت

ترجمه حمیدرضا پیغمبری

چاپ اول

۵۵۰ نسخه

۱۴۰۳

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۲۹-۰

ISBN: 978-622-04-0529-0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

| | | |
|-----|-------|--|
| ۷ | | کوتاه نوشت ها |
| ۹ | | مقدمه مترجم |
| ۱۵ | | پیشگفتار |
| ۱۷ | | ۱. مقدمه |
| ۲۷ | | ۲. نظام اجتماعی اواخر دوره ساسانی |
| ۲۷ | | ۱.۲. آیا شاهنشاهی ساسانی فتودالی بود؟ |
| ۳۶ | | ۲.۲. خرده مالکان: آزادان |
| ۴۳ | | ۳.۲. تشکیلات نظامی و اداری |
| ۵۸ | | ۴.۲. سواره نظام و پیاده نظام |
| ۶۵ | | ۵.۲. جنگاوران نخبه: اسواران |
| ۷۵ | | ۶.۲. ملازمان پادشاه: بندگان، سرهنگان، ایاران |
| ۹۴ | | ۷.۲. خلاصه |
| ۹۹ | | ۳. آزادان در جامعه اسلامی اولیه |
| ۹۹ | | ۱.۳. مقدمه |
| ۱۰۴ | | ۲.۳. دهقانان و فتوحات اسلامی |
| ۱۱۴ | | ۳.۳. اسواران در بصره و کوفه |
| ۱۲۸ | | ۴.۳. اسواران در شام |
| ۱۵۹ | | ۵.۳. مدیریت محلی |
| ۱۹۱ | | ۶.۳. دهقانان و اسواران در عراق |
| ۲۱۲ | | ۷.۳. دهقانان و اسواران در خراسان |
| ۲۴۴ | | ۸.۳. ابناء |

| | | |
|-----|---|---|
| ۲۶۵ | تحولات ادبی و کلامی | ۴ |
| ۲۶۵ | ۱.۴. شعوبیه آزادمردیه، آزادگی، فتوت | |
| ۲۹۲ | ۲.۴. قدریه و اسواریه | |
| ۳۰۷ | کتابنامه | |
| ۳۲۷ | نمایه | |

کوتنه نوشتها

| | |
|--------------|---|
| <i>AIUON</i> | Annali dell'Istituto Universitario Orientale di Napoli |
| <i>AJSLL</i> | American Journal of Semitic Languages and Literatures |
| <i>AO</i> | Acta Orientalia (Denmark) |
| <i>ArO</i> | Archiv Orientální |
| <i>BSOS</i> | Bulletin of the School of Oriental Studies (since 1940 BSOAS) |
| <i>BSOAS</i> | Bulletin of the School of Oriental and African Studies |
| <i>BZ</i> | Byzantinische Zeitschrift |
| <i>CAJ</i> | Central Asiatic Journal |
| <i>CHI</i> | The Cambridge History of Iran |
| <i>EP</i> | The Encyclopaedia of Islam, 1st edition |
| <i>EP</i> | The Encyclopaedia of Islam, new edition |
| <i>EIr</i> | Encyclopaedia Iranica |
| <i>HJAS</i> | Harvard Journal of Asiatic Studies |
| <i>IC</i> | Islamic Culture |
| <i>IJMES</i> | International Journal of Middle East Studies |
| <i>IOS</i> | Israel Oriental Studies |
| <i>Iran</i> | Iran. Journal of the British Institute of Persian Studies |
| <i>JA</i> | Journal Asiatique |
| <i>JAOS</i> | Journal of the American Oriental Society |
| <i>JESHO</i> | Journal of the Economic and Social History of the Orient |
| <i>JNES</i> | Journal of Near Eastern Studies |
| <i>JRAS</i> | The Journal of the Royal Asiatic Society |
| <i>JSAI</i> | Jerusalem Studies in Arabic and Islam |
| <i>JSS</i> | Journal of Semitic Studies |
| <i>MO</i> | Le Monde Oriental |
| <i>MW</i> | The Muslim World |
| <i>OLZ</i> | Orientalische Literaturzeitung |
| <i>REA</i> | Revue des Études Arméniennes |
| <i>REI</i> | Revue des Études Islamiques |
| <i>RSO</i> | Rivista degli Studi Orientali |
| <i>SI</i> | Studia Islamica |
| <i>WI</i> | Die Welt des Islams |
| <i>WZKM</i> | Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes |
| <i>ZA</i> | Zeitschrift für Assyriologie |
| <i>ZDMG</i> | Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft |
| <i>ZII</i> | Zeitschrift für Indologie und Iranistik |

مقدمه مترجم

تاریخ ایران در دوره گذار از روزگار باستان به دوران اسلامی برهه بسیار مهمی است که درک درست تحولات آن نگاهی عمیق و موشکافانه به منابع را می‌طلبد. خوشبختانه تاکنون پژوهش‌های برجسته‌ای درباره مسائل گوناگون این دوره منتشر شده است که کتاب پیش رو یکی از آنهاست. موضوع اصلی این کتاب پدیده‌ای بسیار مهم در تاریخ اجتماعی ایران، یعنی عیاری و فتوت، است و آن را در این بستر تاریخی، یعنی با توجه به ریشه و خاستگاه باستانی آن در ایران ساسانی و مجراهای انتقال آن به دوران اسلامی، بررسی می‌کند.

نویسنده کتاب، دکتر محسن ذاکری، تحصیلکرده رشته تاریخ در دانشگاه یوتای آمریکا و پژوهشگر سابق مطالعات ایران و اسلام در دانشگاه بوخوم آلمان است. وی فردی صاحب‌نظر در حوزه مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام در سده‌های نخستین اسلامی به شمار می‌آید و صاحب آثار برجسته دیگری به‌ویژه در باب میراث حکمت ایرانی در آثار تعلیمی عربی نیز هست.

نویسنده در اثر حاضر، که در سال ۱۹۹۵ منتشر شده، با دقت علمی مثال‌زدنی، مسائلی چون ساختار سیاسی و اجتماعی اواخر دوره ساسانی و تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه در دو سده اولیه اسلامی، گروه‌های اجتماعی و برخی نحله‌های فکری دوره مورد نظر را بررسی و تحلیل کرده است.

فصل نخست این اثر درباره ساختار سیاسی-اجتماعی دوره ساسانی و افشار اجتماعی دوره متأخر این روزگار است که می‌توان آن را مبنا و مقدمه‌ای برای موضوع اصلی کتاب دانست؛ به‌ویژه که در این فصل از وجود ایاران (بعدها عیاران) یعنی ملازمان پادشاه که در شکل عمومی‌تر یاور و دستگیر زیردستان خود بودند پرده برمی‌دارد. این‌ها همان اسواران هستند که از میان نجبای دهقان و آزادان برمی‌خاستند و فرهنگ آموخته بودند و اخلاق پهلوانی داشتند. در فصل بعد، نویسنده از حضور

ایرانیان در جامعه اسلامی اولیه سخن می‌گویند. در این فصل به مسائلی چون حضور برخی نظامیان ایرانی در جبهه مسلمانان در عرصه فتوحات اسلامی، ساختار اجتماعی دو شهر مهم عراق یعنی بصره و کوفه، و تبارشناسی برخی از اقوام که نام آن‌ها در منابع این دوره به چشم می‌خورد و بحث پیوند عمیق میان ایرانیان و مذهب تشیع پرداخته شده است؛ موضوعی که در قسمت‌های مختلف کتاب اشاره‌هایی به آن شده است و دیدگاه معتدل نویسنده را در این خصوص و همچنین در بحث فرایند اسلام‌پذیری ایرانیان نشان می‌دهد. این فصل با توجه به تحولات مهمی که به خصوص در سده اول اسلامی در عراق، شام و خراسان و سپس در جریان انقلاب عباسی رخ داده است طول و تفصیل بیشتری می‌یابد. فصل پایانی نیز به مسئله نفوذ اندیشه و افکار ایرانی در جنبش‌های فکری معتزله، شعوبیه و مانند آن از طریق اسواران اختصاص دارد که البته کامل‌کننده باقی اطلاعاتی است که درباره نظامیان ایرانی در این دوره در دست است. مطالب این فصل اگرچه به تفصیل فصول قبل نیست، پربار و درخور توجه است.

خوانندگان و پژوهشگران تاریخ آگاهی دارند که از منظر این علم، فتوت نیز مانند هر پدیده دیگر سیری تطوری دارد. اصطلاح فتی و مشتقات آن در قرآن و حدیث نبوی دیده می‌شود، اما همه‌جا کیفیت فردی دارد و بر وجود نهاد یا سازمانی اجتماعی دلالت ندارد. این نهاد لاجرم در سده‌های نخستین اسلامی و بر اثر درهم‌آمیزی با فرهنگ ایرانی شکل گرفته است و پس از آن به تدریج در گذر فرهنگ ایرانی از حماسه به عرفان، با وجود استمرار برخی اصول و تعالیم کهن، با عرفان و تصوف در هم تنیده شده است. اما فتوت در سده‌های نخستین اسلامی مرتبط با نظامی‌گری است و این را اثر حاضر به خوبی آشکار می‌سازد. از این رو در این برهه معیارها و هنجارهای نظامیان و پهلوانان کمال مطلوب فتیان بوده است.

همان‌طور که محققان پیشین مکرراً بیان کرده‌اند، اصطلاحات زورخانه و ورزش باستانی ایرانیان و شاخصه‌های پهلوانی (پارتی) با هنجارهای عیاری و جوانمردی مرتبط‌اند. از سوی دیگر، چنان‌که در متن ذکر شده است، رد آموزه‌های جوانمردی را می‌توان در آموزش و پرورش کودکان در ایران باستان و در متن‌های اندرزی کهن نیز دید. نویسنده قابوس‌نامه در باب جوانمردی ابتدا سه مورد از صفات مردمان را نام می‌برد: خرد، راستی و مردمی و پس از آن هنرهای جوانمردترین عیاران را برمی‌شمارد: دلیری و مردانگی، شکیبایی، راستی، پاکبازی، نیک‌خواهی، رادی، سپاسداری و... این‌ها خصالی هستند که در اندرنامه‌های پهلوی بارها و بارها به چشم می‌خورند. بنابراین

تبارشناسی و ریشه‌یابی آداب جوانمردی و عیاری، که کتاب با ارائه سیری تاریخی آن را روشن می‌کند، از طریق مطالعه متون تعلیمی نیز تأیید می‌شود. یکی از نقاط قوت اثر حاضر بهره‌گیری گسترده از همین منابع دست‌اول است. به استثنای منابع جدیدی چون اسناد پهلوی مازندران و قم، عمده منابع تاریخ ایران در سده‌های نخستین اسلامی را هنوز همین متون کلاسیک عربی و فارسی تشکیل می‌دهند. ضمناً در حال حاضر ترجمه‌ها و تصحیح‌های بهتر و روزآمدتری از برخی از منابع دست‌اول کتاب موجود است. برای نمونه می‌توان به ترجمه‌های جدیدتر برخی متون پهلوی و چاپ شاهنامه با تصحیح استاد جلال خالقی مطلق اشاره نمود که مزیت‌های بسیاری بر چاپ‌های پیشین و مورد استفاده در این اثر دارند. کتاب از لحاظ استفاده از پژوهش‌ها نیز غنی است، به نحوی که می‌توان گفت کمتر منبعی از چشم نویسنده دور مانده است. از جمله پژوهش‌هایی که جای آن‌ها در ارجاعات این کتاب خالی است آثار شادروان محمد محمدی ملایری است که مخصوصاً به شکل جدیدتر و گسترده‌تر با عنوان تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی مطالب بسیار مفیدی در زمینه دوره مورد نظر ارائه می‌دهد. همچنین درباره بحث‌های لغوی و نقل‌قول‌های فارسی از متون عربی که گاه استدلال‌های نویسنده بر آن‌ها استوار شده است آثار متعدد و مهم استاد علی‌اشرف صادقی و شادروان آذرتاش آذرنوش از نظر دور مانده‌اند. البته پس از انتشار این کتاب، تألیفات و ترجمه‌های مهم و مفیدی درباره مسائل گوناگون تاریخ ایران در دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی منتشر شده است که برای مطالعه بیشتر و به‌روزتر می‌توان به آن‌ها رجوع کرد. در این جا برای کوتاه شدن سخن از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود.

کتاب حاضر از زمان انتشار متن اصلی آن چند بار معرفی و نقد و بررسی شده است. در ایران، استاد عبدالرسول خیراندیش، با وجود انتقاد از تأکید نویسنده بر مباحث لغوی و ریشه‌شناسی نام‌ها و اصطلاحات، ارزشمند بودن این اثر را خاطر نشان کرده‌اند.^۱ در غرب، متیو گوردون، ضمن مرور و معرفی کتاب و اشاره به اهمیت تحقیقی آن، بر ذاکری خرده گرفته که به این پرسش که شکل‌گیری الگوی سیاسی و اجتماعی اسلامی چه تأثیری در رسوم کهن ایرانی گذاشته توجه چندانی نداشته است و ضعف دیگر اثر را صورت‌بندی مباحث و فصل‌ها می‌داند.^۲ پاتریشیا کرون، محقق بزرگ و فقید تاریخ

۱. عبدالرسول خیراندیش، «معرفی و بررسی کتاب سربازان ساسانی در جامعه مسلمانان نخستین»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۹۶، ۱۳۸۴، صص ۱۳-۱۴.

2. Matthew S. Gordon, "Review of Mohsen Zakeri, Sasanid Soldiers in Early Muslim Society: The Origins of 'Ayyārān and Futuwwa," *International Journal of Middle East Studies*, 1997, vol. 29, No. 3, pp. 444-445.

اسلام، و عمیکام العاد نیز در مقاله‌هایی مفصل به طور کلی این نظر را بیان می‌کنند که، برخلاف نظر ذاکری، تمام گروه‌هایی که در منابع ابناء یا اهل خراسان خوانده شده‌اند ایرانی و به طور خاص نوادگان اسواران ساسانی نیستند.^۱ در هر صورت، چنانچه ردپای عناصر غیرایرانی را در تمام یا بخشی از گروه‌های یادشده در خراسان و شام و مناطق دیگر ببینیم، باز هم به نظر کلی ذاکری درباره‌ی خاستگاه‌های ایرانی عیاری و جوانمردی و چگونگی انتقال آن به جامعه اسلامی در سده‌های نخستین هجری خدشه‌ای وارد نمی‌شود. کتاب بر نقش مهم ایرانیان در تحولات تاریخی دوران اسلامی مانند انقلاب عباسی تأکید می‌ورزد و اکنون با تکیه بر پژوهش‌هایی چون اثر حاضر می‌توان با اطمینان بیشتری بر سهم ایران در فرهنگ و تمدن اسلامی اصرار ورزید.

اما نکته دیگری که ممکن است انتقاداتی برانگیزد توجه کمتر این کتاب به روی دیگر پدیده عیاری یعنی شهرت این جماعت به راهزنی و طراری و جز آن است. نویسنده اشاره‌هایی گذرا دارد به پیوستن سربازان ایرانی به راهزنان و یاغیان در اوضاع نابسامانی اجتماعی به‌ویژه بر اثر ظلم و فشار امویان، که شاید بتوان چنین الگویی را به قبل و بعد از این زمان تعمیم داد. این گونه اعمال سابقه‌ای بس کهن دارد و تفسیر پهلوی و ندیداد نشان می‌دهد که جوانمردان در پی دزدی از ثروتمندان و بخشیدن به نیازمندان بودند. از این رو، این نیز محتمل است که عیاران حتی به مثابه واکنشی به نابرابری‌های طبقاتی و اقتصادی پیش از اسلام پدید آمده باشند. قابل توجه است که پدیده عیاری به اندازه‌ای در فرهنگ عامه ریشه دارد که درباره بسیاری از پادشاهان و افراد بزرگ تاریخ ایران نیز چنین روایاتی وجود دارد. در هر حال، مرام و مسلک این گروه نیز، همان‌گونه که کتاب درباره استمرار آرمان‌ها و عقاید آزادان و اسواران بیان می‌کند، در جامعه اسلامی ادامه حیات داد.

در ترجمه کتاب حاضر، تا جایی که میسر بوده از ترجمه آزاد متن پرهیز گردید و، حسب رعایت امانت، تلاش بر این بوده است که تغییری در متن داده نشود. مترجم در مورد اشعار و نقل قول‌ها ناچار به رجوع مکرر به اصل متن‌ها یا ترجمه‌های آن‌ها بوده است و برخی از این موارد ممکن است با خوانش نویسنده اندکی تفاوت داشته باشد. برخی موارد افزوده مترجم نیز با نشانه [] یا در پانویس با افزودن «...م» (مترجم) مشخص شده‌اند. (قالب‌هایی که مربوط به متن اصلی است و افزوده مترجم نیست،

1. Patricia Crone, "The 'Abbāsīd Abnā' and Sāsānid Cavalrymen," *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland*, 1998, 8, pp. 1-19; Amikam Elad, "The Ethnic Composition of the 'Abbasid Revolution," *JSAI* 24, 2000, pp. 246-326.

در پانویشت مشخص شده‌اند.) در خصوص تاریخ وقایع به ذکر سال‌های هجری قمری اکتفا شده است، مگر در مواردی که به دوران قبل از اسلام مرتبط باشد که در این صورت از همان شیوه مرسوم و مورد استفاده در کتاب در استفاده از گاهشماری میلادی پیروی شده است. در ضبط واژه‌های پهلوی (فارسی میانه) از شیوه آوانگاری مکنزی که اکنون مرسوم است پیروی گردیده است. در مورد نام‌های عربی در متن ترجمه همه‌جا صورت مصطلح آن‌ها در فارسی (بدون الف و لام عربی) به کار برده شده است، مگر آن‌که اشاره به نام پژوهشگران عرب معاصر باشد.

متن اولیه ترجمه ده سالی پیش از این آماده شده بود اما نشر آن به دلیل پاره‌ای از مشکلات میسر نگردید. نویسنده گرانمایه کتاب، از سر لطف، نسخه کامل کتاب را با افزودن برخی اصلاحات و نکات تازه برای مترجم فرستادند. متأسفانه امکان بازبینی و گسترش برخی مطالب کتاب، که در آغاز سر آن را داشتند، برای ایشان میسر نگردید. امید است که این مهم در فرصتی دیگر صورت پذیرد. همچنین بسیار سرفراز و مفتخرم که از محضر استادان گرانقدر: دکتر سید صمد سجادی، استاد زبان انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی؛ دکتر مسلم زمانی و دکتر ناصر زارع، استادان گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس؛ و دکتر احمد رضا قائم مقامی، استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران، بهره‌مند شدم. بی شک بدون کمک‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند این استادان که با روی گشاده پاسخگوی سؤالات بی‌شمار مترجم بوده‌اند کار ترجمه به سرانجام نمی‌رسید. بدین وسیله مراتب سپاسگزاری صمیمانه و قلبی خود را از ایشان ابراز می‌نمایم. حال که کار با همت انتشارات ققنوس منتشر می‌شود، از اعضای محترم این انتشارات نیز قدردانی می‌کنم. امید که این ترجمه علاقه‌مندان و محققان تاریخ این سرزمین را سودمند افتد.

حمیدرضا پیغمبری

شهریور ۱۴۰۲

پیشگفتار

پژوهش در زمینه نهادهای اسلامی هنوز گام‌های آغازین را برمی‌دارد و رساله پیش رو این واقعیت را آشکار می‌کند. نهاد اجتماعی-اقتصادی مشهور به فتوت از میانه سده نوزدهم میلادی موضوع تحقیقات بسیاری بوده است. این تحقیقات از سویی اهمیت اهل فتوت را در بسط و گسترش سازمان‌های گوناگون در قرون میانی اسلامی و از سوی دیگر تأثیرپذیری عمیق آن‌ها از میراث ایران باستان را خاطر نشان می‌کنند. با این همه، اگر کسی در جستجوی جزئیاتی درباره خاستگاه این نهاد و چگونگی تأثیرپذیری آن از ایران باشد، پاسخی نخواهد یافت. تاکنون هیچ بررسی نظام‌مندی در این باره انجام نگرفته و پژوهش حاضر بر آن است که خلأهایی از این دست را پر کند.

اثر پیش رو از نوعی روش‌شناسی تطبیقی بهره می‌برد که اساس آن را مقایسه مکرر فتوت با برخی وجوه فئودالیسم اروپایی فراهم می‌سازد. این روش برخی از ویژگی‌های برجسته ساختار اقتصادی جامعه اواخر دوره ساسانی و سیر تداوم و دگرگونی این ویژگی‌ها در جامعه اولیه اسلامی را آشکار می‌کند. در این جا از هیچ متن نویافته‌ای استفاده نکرده‌ام، بلکه تنها از داده‌های تمام منابع سنتی که می‌توانند در به نتیجه رساندن بحث کمک کنند بهره گرفته‌ام. نخست، با استفاده از منابع پهلوی و عربی، وجود عیاران، نخستین پیروان آیین فتوت، را در جامعه ساسانی مستند ساختم و سپس به پیگیری تعامل آن‌ها با فاتحان مسلمان تا زمان بنیان‌گذاری خلافت عباسی پرداخته‌ام.

در ایران اواخر دوره ساسانی، «آزادان» پایین‌ترین بخش طبقه نجبای زمیندار را شکل می‌دادند. آن‌ها اربابان روستاها (دهقانان) و فرماندهان اداری-نظامی (مرزبانان) بودند و سواره‌نظام کشور را با سواران دلاور جوان (اسواران) تأمین می‌کردند. برخی از آنان در مقام نگهبان و نیروهای امنیتی در دربار خدمت می‌کردند و با القابی چون بندگان، ایاران یا جانبازان خوانده می‌شدند که همه بر ارتباط آن‌ها با پادشاه دلالت دارد. این افراد با مرام‌نامه‌ای تشریفاتی با یکدیگر در پیوند بودند.

به دنبال چیرگی مسلمانان، مرزبانان از عراق اخراج شدند و جنگاوران مسلمان

جای آنان را گرفتند، اما دهقانان مقام و منصب خود را حفظ کردند. در خراسان، برخی از بزرگ‌مالکان ساسانی با حکومت اموی به توافق رسیدند، حال آن‌که مالکان کوچک‌تر از تعدی در امان نماندند و زمین‌هایشان را عربانی که به زمینداری علاقه‌مند بودند غصب کردند. انبوهی از این مالکان مال‌باخته به جنبش عباسی پیوستند.

اسواران در جامعه اسلامی به نام‌های گوناگون بنی احرار، اساوره، احامره، ابناء و نیز جوانمردان، عیاران، أحداث یا فتیان شناخته می‌شدند. آنان، به عنوان موالی، در حکم محافظان شخصی یا ملازمان به استخدام هم‌پیمانان عرب خود درآمدند و به آرمان‌ها و ارزش‌هایی چون دلاوری، بردباری، گشاده‌دستی، بلندنظری و مانند این‌ها شهرت یافتند. این آرمان‌ها آزادگی، جوانمردی یا عیاری نامیده می‌شدند و معادل عربی فتوة برای آن‌ها رواج پیدا کرد. این پژوهش آشکارا ماهیتی انباشتی دارد و حاصل دیگر تحقیقات را نیز در بر می‌گیرد. نام آثاری که در کتاب حاضر از آن‌ها بهره برده‌ام در پانویس‌ها و کتابنامه آمده است.

تکمیل این رساله‌ام بدون حمایت گروهی از استادان و دوستانم امکان‌پذیر نبود. پیش از همه باید از استاد راهنمای رساله‌ام، پرفسور پیتر فُن زیورس، صمیمانه سپاسگزاری کنم که این کار بدون پشتیبانی سرشار از مهر و محبتش که بس فراتر از انجام وظیفه بود هرگز به سرانجام نمی‌رسید. او در مراحل مختلف بارها دستنوشته‌های مرا خواند و پیوسته من را از انتقادات، اصلاحات و آرای خود بهره‌مند ساخت. همچنین بسیار مرهون لطف پرفسور رودلف زلهایم و دیگر اعضای سمینار شرق‌شناسی دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته در فرانکفورت هستم که سخاوتمندانه امکانات بی‌نظیر کتابخانه خود را مدتی طولانی در اختیارم گذاشتند.

همین‌طور قدردان اعضای هیئت داوری رساله دکتری‌ام، استادان لئوناردو آلیشان، بایرون کنون، مایکل مازائویی و رونالد اسملسر، برای دقت نظر، راهنمایی‌های ارزشمند و شکیبایی‌شان هستم. از دکتر اولیور کال و کورت ماپر که از سر لطف نسخه نهایی را خواندند و اصلاحات خود را در اختیارم گذاشتند قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم.

نسخه اولیه این رساله در تابستان سال ۱۹۸۷ در دانشگاه یوتا در سالت لیک سیتی آماده شد. در آن زمان برای تحقیقات بیشتر به آلمان سفر کردم. زمانی که قصد بازگشت داشتم، مقامات اداره مهاجرت آمریکا به دلایلی که هیچ‌گاه توضیح داده نشد مانع از ورودم به ایالات متحده شدند. یک سفر پرماجرایی شش‌ساله آغاز شد که هنوز ادامه دارد. رساله سرانجام در تبعید و در شرایطی بسیار نامناسب در اوت سال ۱۹۹۳ تکمیل شد. نسخه حاضر نسبت به متن اصلی اندکی بازبینی شده است.

محسن ذاکری

فرانکفورت آَم ماین، ۱۹۹۵

مقدمه

پدیده فتوت (برگرفته از واژه فتی به معنای «جوانمرد»، جمع آن: فتیان) از مشخصه‌های فرهنگ معنوی اسلام است. از سده‌های نخستین اسلامی تا به امروز، اقشار گوناگونی ادعای پیروی از اصول فتوت را داشته‌اند. این مفهوم به چکیده‌ای از آرمان‌های اخلاقی و مرام متعارفی بدل شد که در میان جمعیت‌هایی همچون «شوالیه‌های» مسلمان، اخیان صوفی، اصناف و پیشه‌وران، درویش مسلکان گوناگون، شبه‌نظامیان شهری (عیاران-فتیان)، جنگاوران دینی (غازیان-مجاهدون-مرابطون)، محفل‌های جوانان اشرافی لذتجو (فتیان‌اللاهیه)، زورخانه‌ها و حتی برخی راهزنان مشترک است.

فتوت در دوران پس از حمله مغول در میان ترکان و ترکمانان آسیای صغیر رواج یافت و به یک سازمان سیاسی به نام رندان، دیوانگان یا اخیان تبدیل شد. این مفهوم در ایران نیز تا انقلاب مشروطه در تشکیلات اجتماعی مردمی همچون سرداران، شاطران، یتیمان، لوطیان و داش‌مشتی‌ها همچنان تداوم داشت. پیش از هجوم مدرنیته و سندیکالیسم^۱ اروپایی، تمامی اشکال ابتدایی اصناف پیشه‌ور اسلامی، از مصر تا هند، بر مبنای تشریفات نمادین فتوت بنا گردیده بود. افزون بر این، بخش بزرگی از پیکره ادبیات عامیانه فارسی در سده‌های میانه، عیاران را به منزله قهرمانان به تصویر می‌کشند و اصول و عقاید مرتبط با فتوت را شرح می‌دهند.^۲

بنابراین، توجه طیف گسترده‌ای از پژوهشگران معاصر به بررسی فتوت توجیه‌پذیر است. این موضوع به طور کلی مورد توجه پژوهشگران علوم دینی، اقتصاد و نیز تاریخ‌پژوهان، فلاسفه و جامعه‌شناسان قرار دارد. با وجود این و به‌رغم این‌که آثار فراوان توصیفی و تحلیلی سودمندی در این زمینه منتشر شده، مباحث کلی درباره‌ی خاستگاه‌ها و ساختار

1. syndicalism

۲. برای بررسی بیشتر این اندیشه در داستان‌های عامیانه فارسی نگاه کنید به:

I. Mélikoff, *Abū Muslim: Le "porte-hache" du Khorassan dans la tradition épique turco-iranienne*, Paris, 1962; M. Gaillard, *Le livre de Samak-e 'Ayyār*, Paris, 1987.

اولیه آن تا اندازه‌ای به سبب نگرش سطحی به این موضوع مبهم و نامشخص مانده است. ظاهراً یوزف فُن هامر-پورگشتال نخستین کسی بود که در عصر طلایی رمانتیسم — یعنی در اوایل قرن نوزدهم که خاطرات غبارگرفته شوالیه‌های اروپایی قرون وسطی رنگ تازه‌ای به خود گرفت و به شوالیه‌گری حالتی رمانتیک و تخیلی داده شد — فتوت را «شوالیه‌گری اسلامی» خواند و آن را پیشرو شوالیه‌گری اروپایی به شمار آورد.^۱ این که آرمان‌های مسلمانان درباره شرافت و جوانمردی چه اندازه در اندیشه‌های اروپاییان در مورد شوالیه‌گری تأثیر داشته است همچنان نامشخص است. مسئله مهمی که باید مشخص شود ماهیت چنین آرمان‌هایی در شرق پیش از تعامل گسترده مسلمانان با غرب است. مسلماً هامر-پورگشتال، همانند تمامی پیشگامان، فرضیاتی پیش نهاد و آن‌ها را تعمیم داد، اما دلایل او درباره تناسب آرمان‌های اشرافی و آداب اصیل فتوت کاملاً موجه بود. یکی از انتقادهایی که بر او وارد است بی‌توجهی‌اش به ساماندهی مجدد فتوت به دست خلیفه عباسی ناصر لدین‌الله (۵۷۵-۶۲۲ ه.ق) است که در زمان خلافتش فتوت به یک سازمان حکومتی معتبر مبدل شد و بسیاری از کتاب‌های موجود درباره فتوت به رشته تحریر درآمدند.^۲

گام‌های آغازین هامر-پورگشتال را هرمان تورنینگ دنبال نمود و پژوهش معتبر خود در مورد فتوت را در سال ۱۹۱۳ منتشر کرد.^۳ تورنینگ نخستین فردی بود که منابع اولیه در مورد ساختار و آداب اصناف پیشه‌ور اسلامی و نقش فتوت در آن‌ها را منتشر کرد. وی رساله‌ای درباره فتوت به نام *بسط مدد التوفیق* را که ابن معمار برای خلیفه ناصر لدین‌الله نوشته بود ترجمه کرد. چاپ این کتاب راه را برای طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها گشود و تصحیح و تحلیل کتاب‌های بسیاری در زمینه فتوت را در پی داشت. در حالی که هامر بر شباهت ظاهری فتوت با شوالیه‌گری اروپایی تأکید می‌کرد، نسخه‌های خطی در دسترس تورنینگ او را به بررسی شکل‌های اصناف و تشکیلات داخلی آن‌ها، منابع، مضامین و سلسله‌مراتب انجمن‌های اخوت اسلامی سوق داد. اثر تورنینگ، که نخستین تلاش اساسی در راستای احیای مطالب نهفته در نسخه‌های پراکنده بود، عاری از کاستی نبود.

1. Joseph von Hammer-Purgstall, "Sur la chevalerie des Arabes antérieure à celle de l'Europe, sur l'influence de la première sur la seconde," *JA* 13 (1849), pp. 4-14; idem, "Sur les passages relatifs à la chevalerie dans les historiens arabes," *JA* 6 (1855), pp. 282-90.

۲. درباره ناصر و نقش او در اصلاح ساختار فتوت نگاه کنید به:

A. Hartmann, *an-Nāṣir li-Din Allāh (1180-1225)* (Berlin, 1975), pp. 92-108.

3. Hermann Thorning, *Beiträge zur Kenntnis des islamischen Vereinswesens auf Grund von Baṣī Madad et-Taufiq*, Berlin, 1913.

ماهیت منابع به‌جای مانده دربارهٔ فتوت به نحوی بود که تورنینگ و پیروانش توجه خود را بیشتر به مظاهر متأخر آن معطوف کردند و اشکال اولیهٔ آن را نادیده گرفتند. یکی از استثناهای مهم در این میان فرانتس تشنر، شاگرد و دوست تورنینگ، بود که بخش عمدهٔ عمر پژوهشی پرکار خود را صرف جستجو دربارهٔ خاستگاه‌های فتوت کرد.^۱ پژوهش‌های او آشکار ساخت که فتوت در صورت‌های گوناگونش حتی قرن‌ها پیش از دورهٔ ناصرالدین‌الله نهادی کاملاً شناخته‌شده بوده و از پشتیبانی اشراف ایرانی و شاهان محلی برخوردار بوده است.

بیش از یک سده پیش از این که ناصرالدین‌الله به جامعهٔ فتوت درآید، کیکاوس بن اسکندر، پادشاه دودمان زیاری، کتاب خود قابوس‌نامه را در سال ۴۷۵ ه.ق به رشتهٔ تحریر درآورد. وی بلندترین بخش کتاب خود را، که به نظر می‌رسد از یک کتاب گمشدهٔ ساسانی به نام آیین‌نامگ اقتباس کرده باشد، به «آیین جوانمردی» اختصاص داد و این به‌خوبی نشان می‌دهد که برخی از این اصول در زمان ساسانیان صورت‌بندی شده بودند. دودمان زیاری، که در سده‌های چهارم و پنجم ه.ق در طبرستان و گیلان حکمرانی می‌کردند، می‌کوشیدند نسب خود را به ایران پیش از اسلام برسانند. کیکاوس نیاکان خود را حکمرانان گیلان در زمان کیخسرو می‌دانست. او در این کتاب، که یکی از نخستین نمونه‌های سبک ادبی است که اندرنامه یا «آینهٔ شهریاری» نامیده می‌شود، پسر خود را خطاب می‌کند و به او و نجیب‌زادگان نزدیک به وی پند می‌دهد و آنان را به پیروی از ارزش‌های اجتماعی جوانمردی فرامی‌خواند. بخش چهل و چهارم قابوس‌نامه شامل بحث فلسفی مفصلی در باب معانی و آرمان‌های نهفته در این مفهوم است و به نحوی ارائه شده که مورد پذیرش اقشار گوناگون جامعه باشد.^۲

1. *EP*, s.v. "Ayyār," 1:794; idem, "Futuwwa, eine gemeinschaftsbildende Idee im mittelalterlichen Orient und ihre verschiedenen Erscheinungsformen," *Schweizerisches Archiv für Volkskunde* 52 (1956), pp. 122-58; idem, "Das Futuwwa-Rittertum des islamischen Mittelalters," in *Beiträge zur Arabistik, Semitistik und Islamwissenschaft* (Leipzig, 1944), pp. 340-85; idem, "Futuwwa-Studien. Die Futuwwa-Bünde in der Türkei und ihre Literatur, I. Die Achibünde und ihr Verhältnis zum Nâşirkreis," *Islamica* 5 (1932), pp. 285-333; idem, "Die islamischen Futuwwabünde. Das Problem ihrer Entstehung und die Grundlinien ihrer Geschichte," *ZDMG* 87 (1934), pp. 6-49; idem, "Das islamische Rittertum im Mittelalter," in *Orient und Deutsche Gegenwart* (Leipzig, 1943), pp. 94-104; idem, "Männerbundartige Gruppen im islamischen Orient des Mittelalters: Das Futuwwa-Bundeswesen," in *4th Inter. Congress of Anthropological and Ethnological Sciences* 4 (1955), pp. 142-46.

همچنین بنگرید به نقد وی:

G. Salinger's "Was the Futuwa an Oriental form of chivalry?" *Oriens* 5 (1952), pp. 332-36; idem, *Zünfte und Bruderschaften im Islam*, Zürich, 1979.

2. *The Naşibat-nāma known as Qābūs-nāma of Kai Kā'ūs b. Iskandar b. Qābūs b. Washmgūr* (London, 1951), pp. 139-52; *EP*, s.v. "Kay Kā'ūs b. Iskandar," by C. E. Bosworth, 4:814.

پژوهش‌های تشنر علاوه بر این آشکار ساخت که مدت‌ها پیش از قابوس، آرمان‌های فتوت در کتاب‌هایی به نام‌های فتوت‌نامه، رساله فی الفتوة یا کتاب الفتوة گردآوری شده و چون اصناف پیشه‌ور از آن استقبال کردند در کسب‌نامه‌ها نیز گنجانده شدند. نمونه‌هایی از این آرمان‌ها را همچنین می‌توان در رساله‌هایی یافت که تعالیم صوفیه را شرح می‌دهند. این آموزه‌ها را نخستین بار مؤلفان صوفی مسلک در رساله‌هایی همچون رساله فی الفتوة نوشته سلمی (متوفی ۴۱۲ یا ۴۱۳ ه.ق) و رساله خلف او قشیری، که در سال ۴۳۸ ه.ق تکمیل شد، تنظیم کرده‌اند.^۱

رساله‌های صوفیان و انبوه نوشته‌های ادبی متأخر در توصیف فتوت تاریخچه آن را در هاله‌ای از افسانه و قصه پوشانده‌اند. آنان برای فتوت قدمتی کمتر از زمان ابراهیم نبی (ع)، که او را ابوالفتیان (به معنی پدر «جوانمردان») می‌خوانند، متصور نیستند و ادعا دارند که اصول فتوت جزئی از وحی آسمانی بوده است. آنان فتوت را بخش لاینفک دین اسلام می‌دانند و بدین سان ریشه‌های اجتماعی آن از نظر پنهان مانده است. هجویری، صوفی بلندآوازه، داستانی را در قرن پنجم ه.ق نگاشته است که اشاره به آن خالی از لطف نیست. صالح بن حمدون بن احمد بن عمارة قصار [نیشابوری] (متوفی ۲۷۱ ه.ق) یکی از شارحان فرقه ملامتیه، که در نیمه دوم قرن سوم ه.ق در شرق ایران در اوج اعتبار بود، چنین می‌گوید:

روزی اندر جویبار حیره نيسابور می‌رفتم. نوح نام عیاری بود به فتوت معروف و جمله عیاران نيسابور در فرمان وی بودند. وی را اندر راه بدیدم. گفتم: یا نوح، جوانمردی چه چیز است؟ گفت: جوانمردی من خواهی یا از آن تو؟ گفتم: هر دو بگوی. گفت: جوانمردی من آن است کی این قبا بیرون کنم و مرقعه بپوشم و معاملات آن برزم [=ورزم] تا صوفی شوم و از شوم خلق اندر آن جامه از معصیت بپرهیزم و جوانمردی تو آنک مرقعه بیرون کنی تا تو به خلق و خلق به تو فتنه نگردید. پس جوانمردی من حفظ شریعت بود بر اظهار و از آن تو حفظ حقیقت بر آسار.^۲

چنین جملاتی کمک چندانی به تعیین تاریخ آغازین فتوت نمی‌کنند، اما مطمئناً به مثابه مدارکی از یک مرحله خاص در سیر تطور فکری این نهاد پررمز و راز ارزشمندند. پیش از تصنیف رساله‌های صوفیان، مطالب مرتبط با فتوت اغلب در متون تاریخ و ادب به صورتی پراکنده به چشم می‌خورند. بخشی از این مطالب مورد استفاده مؤلفان صوفی دوره‌های بعد قرار گرفت. برای نمونه، خود سلمی اشاره می‌کند که شاه شجاع کرمانی،

1. F. Taeschner, *Zünfte*, pp. 27-39.

۲. هجویری، کشف‌المحجوب (لنینگراد، ۱۹۲۶): ترجمه آر. ای. نیکلسون (لندن، ۱۹۳۶)، صص ۱۸۳-۱۸۴.

بزرگ‌زاده خراسانی قرن سوم ه.ق ملقب به ابوالفوارس (به معنی پدر «سواران»)، یکی از مشهورترین فتیان و همچنین از فضایی بود که کتاب‌هایی در باب فتوت نوشته است.^۱ یافتن مدارک محکم درباره فتوت در دو سده نخستین اسلامی زمانی امکان‌پذیر می‌گردد که بر اطلاعات موجود در متون اولیه تاریخ و ادب عربی تمرکز کنیم. همان‌گونه که امروزه می‌دانیم، بزرگ‌ترین و بااهمیت‌ترین نقش‌آفرینی نظامی عیاران در هنگام محاصره بغداد در زمان خلافت امین (۱۹۳-۱۹۸ ه.ق) صورت گرفت. منابع جزئیاتی جالب توجه از این واقعه به دست می‌دهند. در این جا آن‌ها به صورت گروه‌هایی از شبه‌نظامیان سازمان‌یافته که برای مدتی کوتاه دفاع از تختگاه تحت محاصره را در دست داشت حضور پیدا کردند. در منابع اشاره‌هایی به پیوند اشراف بلندمرتبه عباسی با فتوت حتی پیش از این حادثه می‌یابیم. نقل است که جعفر بن یحیی برمکی (متوفی ۱۹۰ ه.ق)، وزیر ایرانی هارون الرشید، آراسته به فضایل فتوت، نیکخویی و ادب بود.^۲ سلمی، در ذکر همان دوره، جوانمرد ایرانی دیگری به نام معروف بن فیروز (یا فیروزان) گرجی را نام می‌برد که آرای حکیمانه درباره صفات ممتاز فتیان داشته است.^۳ قابل توجه است که شاعر مشهور ایرانی عربی‌سرا، بشار بن برد (حدود ۹۵-۱۶۷ ه.ق)، که گویا به دلیل عقاید بدعت‌آمیز کشته شد، ادعا می‌کرد که به تمامی فضایل فتوت دست یافته و نخستین کسی است که راز آن را دریافته است.^۴ اگرچه امروزه ممکن نیست به پیامی که در این گفته نهفته است پی ببریم، واضح است که به مجموعه‌ای از ارزش‌های والا در اوایل عصر عباسی اشاره دارد. این ارزش‌ها در میان اشراف ایرانی مسلمان در آن زمان از اعتبار بالایی برخوردار بوده است. هنگامی که پژوهندگان فتوت سرانجام تصحیح و نشر اکثر فتوت‌نامه‌های به‌جای‌مانده را به پایان بردند و شیفتگی به تصوف و فتوت جای خود را به تحقیق و تعیین پیش‌زمینه تاریخی آن داد، بیش از پیش مشخص شد که عناصر فرهنگی ایران باستان نقش عمده‌ای در شکل‌گیری آن داشته‌اند.

تشنه دریافت که هنگامی که عرب‌های مسلمان بر فرهنگ‌های کهن خاور نزدیک تسلط می‌یافتند، مفهومی را با خود به همراه داشتند که با آرمان‌های اشراف عرب درآمیخته بود و با اصطلاح فتی توصیف می‌شد. در این محیط جدید، مفهوم شرافت دچار برخی تغییرات گردید که بخشی از آن تحت تأثیر اسلام روی داد و بخشی بر اساس سنت‌های فرهنگی و محلی موجود که پیش از آن بر عرب‌ها ناشناخته بود. بر

۱. سلمی، طبقات الصوفیه (قاهره، ۱۹۵۳)، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. ابوالفرج اصفهانی، کتاب الاغانی (قاهره، ۱۹۲۷-۱۹۷۴)، ۴۰۷:۵ (از این پس با نام «اغانی» از آن نام برده خواهد شد).

۳. سلمی، طبقات، صص ۸۴ و ۸۹. ۴. بشار بن برد، دیوان (قاهره، ۱۹۵۰-۱۹۶۶)، ۱۸۹:۴.

این اساس، در وهله نخست، مفهوم فتوت، به منزله نشان افتخاری غازیان مسلمان در کار جهاد، خصلتی نیمه مذهبی به خود گرفت؛ سپس عمومیت یافت و بر اساس آن گروه‌هایی نظام‌مند ایجاد شدند که آرمان‌های جوانمردانه شجاعت و رادمردی را به عنوان نشان افتخاری خود پذیرفتند و کوشیدند مطابق این اصول زندگی کنند. تشنر به این نتیجه رسید که می‌توان تصور نمود آنچه از فرهنگ باستانی بین‌النهرین و ایران باقی مانده تحت عنوان فتوت به اسلام منتقل گردیده است.^۱

کلود کاهن نیز اظهاراتی مشابه آنچه گفته شد بیان کرده است. او در اثرش در سال ۱۹۵۱ دریافت که پدیده عیاری به محدوده‌ای جغرافیایی تعلق دارد که تقریباً با مرزهای باستانی شاهنشاهی ساسانی منطبق است. وی می‌نویسد: «در دنیای ایرانی و پیرامون آن، از آسیای مرکزی تا بین‌النهرین، هیچ شهری وجود نداشت که عیاران خود را نداشته باشد.»^۲ کاهن متوجه شد که برخی هنجارهای خاص فتوت قرابت بسیار آن به فرهنگ ایران پیش از اسلام را بازتاب می‌دهند.^۳

لویی ماسینیون رد خاستگاه‌های اصناف پیشه‌ور اسلامی و همچنین اصول سازمانی و قواعد خاص آنان یعنی همان فتوت را تا دوره ساسانی در تیسفون پی گرفت.^۴ یکی از عناصر تکرارشونده در آیین‌های تشرف به اصناف اسلامی بستن شال (شد) به دور کمر عضو جدید بود که طی تشریفات خاصی صورت می‌پذیرفت.^۵ شباهت این شال به کمر بند دینی زردشتیان (کُستی [یا کُشتی]) مکرراً مورد توجه قرار گرفته است.^۶ محمدتقی بهار نیز به وجود عناصر کهن ایرانی در نهاد فتوت اشاره می‌کند. او چنین

1. *Zünfte*, p. 14.

2. *EP*, s.v. "Futuwwa," by Cl. Cahen, 2:962.

به گواه منابع، عیاران در سراسر ایران و مناطقی همچون توس، بیهق، بخارا، سیستان، کرمان، زرنج، بُست و تقریباً تمامی شهرهای بزرگ ایران فعالیت داشتند.

3. *Elr*, s.v. "Ayyār," by Cl. Cahen, 3:159; idem, "Fiscalité, propriété, antagonismes sociaux," *Arabica* 1 (1954), pp. 136-52; idem, "Mouvements et organisations populaires dans les villes de l'Asie musulmane au moyen age: Milices et associations de futuwwa," *La Ville* 2 (Bruxelles, 1955), pp. 273-88; idem, "Mouvements populaires et autonomisme urbain dans l'Asie musulmane du moyen age," *Arabica* 5 (1958), pp. 225-50; *ibid.*, 6 (1959), pp. 25-56; and 233-65; idem, "Notes sur les débuts de la futuwwa d'an-Nāšir," *Oriens* 6 (1953), pp. 961-65; idem, "Tribes, Cities and Social Organization," in *CHI*, 4:305-8.

4. Louis Massignon, "La 'futuwwa' ou 'pacte d'honneur artisanal' entre les travailleurs musulmans au moyen age," *La Nouvelle Clío* (1952); reprinted in his *Opera Minora* (Beirut, 1963), 1:396-421; idem, "L'évaluation des valeurs religieuses dans le monde musulman. L'influence des initiations corporatives sur la futuwwa ou chevalerie islamique." *Annales du Collège de France*, 1948-49.

5. Cf. *Encyclopaedia of Social Sciences* (1942), s.v. "Guilds: Islamic," by L. Massignon; idem, "Sur la Futuwwa," in *Proceedings of the 22th Congress of Orientalists* (Leiden, 1957), pp. 277-79; idem, *EP*, s.v. "Shadd," 7:254; *ibid.*, s. v. "Şinf," 7:436-37; idem, "Salmān Pāk et les prémices spirituelles de l'Islam iranien," *Société des Études iraniennes, cahier* 7, 1934; reprinted in his *Opera Minora*, 1:443-83.

6. F. Taeschner, *Zünfte*, p. 15.

استدلال می‌کند که وجه اشتقاق‌های سنتی واژه عیار مطابق و بازتاب‌دهنده نقش تاریخی عیاران نیست.^۱ لغویون قدیم عرب عیار را مشتق از ریشه عربی عیرَ یا عارَ به معنی «گشتن، پرسه زدن، سیر کردن» می‌دانستند، بر این اساس عائر و صورت پربسامد آن عیار به معنی «فردی (یا حیوانی) است که چابک و پرتوان پس و پیش می‌رود و می‌چرخد» و از این رو «زرنگ و جلد است».^۲ بهار این موضوع را رد می‌کند و ریشه‌شناسی دیگری ارائه می‌دهد. به نظر وی، عیار تصحیف واژه پهلوی «اذی‌یار» است: واژه‌ای ندایی تشکیل شده از دو بخش «آی» و «یار» به معنی «رفیق»، شبیه به اصطلاح عربی آخی.^۳

بهار کوشید تا ارتباط میان عیاران و پیروان بعدی فتوت را، که انجمن‌های اخیان آناتولی بودند، شرح دهد. اما متأسفانه او به جزئیات نپرداخته و از شرح بیشتر آن خودداری کرده است. پس از آن بود که پرویز ناتل خانلری، یکی از پژوهشگران مشهور زبان فارسی، ضمن تصدیق نظر بهار در مورد ریشه پهلوی عیار، اضافه کرد که این واژه به آن دسته از جوانان پرتکاپو اشاره دارد که همقطاران خویش را یار می‌خواندند.^۴ خانلری نظایر دیگری نیز ارائه کرد تا نشان دهد این واژه که در متن‌های پهلوی به صورت «ادیار» یا «ایار» ثبت شده است با تبدیل «د» به «ی» به صورت «اییار» نیز خوانده می‌شود. بهار، خانلری و به پیروی از آنها محمدجعفر محجوب با استناد به چنین مدارکی بیان می‌کنند که عیاران اعضای برخی از تشکیلات باستانی بودند که پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی برجای ماندند.^۵

۱. به نقل از محمدجعفر محجوب، «آیین عیاری»، سخن ۱۹ (۱۳۴۸ ه.ش)، ص ۸۷۳، ۱.

2. E. W. Lane, *An Arabic-English Lexicon* (London and Edinburgh, 1863-93), 5: 2208, 2210:

عیرَ به شخصی اشاره دارد که گویی به سبب هیجان و جنب‌وجوشی که در اوست از ارباب خود گریخته و به این سو و آن سو می‌رود. بنابراین عیار کسی است که همه‌جا در آمد و شد است، زیرک، چابک و هوشیار است. عیار برای اشخاص شروور نیز به کار می‌رود، کسی که زرنگ، سرخوش و چالاک است یا این‌که به دنبال امیال طبیعی خود می‌رود و خویشتنداری نمی‌کند.

۳. محمدتقی بهار، «جوانمردی»، در آیین جوانمردی (تهران: ۱۳۶۳ ه.ش)، ص ۱۱۲.

۴. «آیین عیاری»، سخن ۱۸ (۱۳۴۸ ه.ش)، ص ۱۰۷۲.

۵. پژوهش‌های فراوان و مهمی درباره عیاران در ایران انجام شده است که بیشتر آن‌ها بر پایه منابع ادبی هستند. خانلری پژوهش‌های خود را در نشریه سخن شماره‌های ۱۸ (۱۳۴۸)، صص ۱۰۷۱-۱۰۷۷؛ ۱۹ (۱۳۴۸)، صص ۱۹-۲۶، ۱۱۳-۱۲۲، ۲۶۳-۲۶۷، ۴۷۷-۴۸۰ منتشر کرد. مطالب او در سخن به صورت مجزا مقدمه‌ای شد بر تصحیح کتاب سمک عیار (تهران، ۱۳۵۹)؛ محجوب، «آیین عیاری»، سخن ۱۹ (۱۳۴۸)، صص ۸۶۹-۸۸۳، ۱۰۵۹-۱۰۷۳، ۱۱۸۲-۱۱۹۵؛ ۲۰ (۱۳۴۸)، صص ۳۸-۵۱، ۱۷۳-۱۹۹، ۳۰۱-۳۱۱؛ همو، «روش‌های عیاری و نفوذ کار و کردار عیاران در شاهنامه»، هنر و مردم ۱۷۷-۱۷۸ (۱۳۵۶)، صص ۲۰-۲۸؛ ۱۸۰ (۱۳۵۶)، صص ۲-۱۳؛ همو، «سمک عیار»، کاوش (۱۳۳۹)، صص ۶۵-۶۷؛ همو، «سمک عیار ستایش‌نامه دلیری‌ها و جوانمردی‌ها»، سخن ۱۱ (۱۳۳۹)، صص ۶۶۷-۶۷۷؛ اسماعیل حاکمی، «آیین فتوت و عیاری»، سخن ۱۷ (۱۳۴۶)، صص ۲۷۱-۲۷۸، ۵۲۳-۵۲۷؛ — م. بدیع، «آیین جوانمردان ایران‌زمین»، تلاش ۶۱ (۱۳۵۵)؛ مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران (۱۳۵۴)، ج ۲، صص ۳۵۵-۳۶۵؛ کاظم

به‌رغم پژوهش‌های فراوانی که تاکنون صورت گرفته، مسئله اساسی خاستگاه فتوت و پیروان آن هنوز حل‌نشده باقی مانده است. با این‌که نزدیک به دو‌یست سال از زمان طرح این پرسش و نخستین پاسخ‌ها به آن گذشته است، هنوز هیچ‌کس پاسخی قطعی برای این پرسش عرضه نکرده است که عیاران اولیه چه کسانی بودند و بر پایه چه اصول و اهداف مشخصی گرد هم آمدند. اگرچه اطلاعاتی درباره آن‌ها در دوره ساسانیان در دست است، تاکنون تاریخ شکل‌گیری این گروه، مرام و نقش سیاسی آن‌ها تا حد زیادی ناشناخته مانده است. در این کتاب تلاش شده است که جای خالی بحث‌های دقیق و جامع درباره تحول فتوت و عیاران از دوره ساسانیان تا اوایل دوره عباسیان پر شود. بنابراین کتاب حاضر با مسائلی که تشنر، کاهن و دیگر محققان رها کرده‌اند آغاز می‌شود و مستندات بیشتری برای اظهارات این محققان ارائه می‌کند.

فرضیه اصلی ما این است که شبه‌نظامیان مشهور به عیاران در جامعه اولیه اسلامی از تبار اسواران یا نیروهای نظامی نخبه ساسانی بوده‌اند. طبق این فرض، در زمان ساسانیان گروهی از نظامیان صاحب املاک وجود داشتند که در ازای دریافت زمین از خزانه مرکزی، به پادشاه خدمت می‌کردند. این افراد آزادان یا همان جنگاوران و خرده‌مالکان مستقل بودند که جزء اشراف پایین‌مرتبه شاهنشاهی ساسانی به شمار می‌رفتند و نقش گردآورندگان مالیات و اربابان روستاها را ایفا می‌کردند. در قرن ششم میلادی، یکی از پیامدهای اصلاحات گسترده‌ای که انوشیروان آغاز کرد تبدیل ارزش‌های اجتماعی آزادان به مجموعه‌ای از خصایل اخلاقی بود که به عنوان آزادگی یا جوانمردی شناخته می‌شد و انتظار می‌رفت که اسواران از آن‌ها تبعیت کنند. در اوایل دوران اسلامی، آزادگی هسته اصلی فضایل و راه و رسمی اجتماعی را شکل داد که زیر عنوان فتوت قرار می‌گرفت.^۱ در این زمینه، چهار اصطلاح نسبتاً متمایز قابل تشخیص‌اند: آزادان، اسواران، عیاران و آزادگی یا فتوت. قرابت میان عیاران و فتوت مدتی است که شناخته و درباره آن بحث شده است، ولی ارتباط میان آن‌ها و دو اصطلاح دیگر بررسی نشده است. این موضوعی است که در این جا بدان می‌پردازم.

در آغاز، وجود عیاران در دوره ساسانیان را مستند خواهیم کرد. بدین منظور، با

→ کاظمینی، «تاریخ مختصر زورخانه و ورزش باستانی و موجدین آن: پهلوانان و عیاران و شاطران»، هنر و مردم ۵۵-۵۶ (۱۳۴۶)، صص ۲۸-۳۴، ۵۲-۵۵؛ کاظمینی و بابائیان، زورخانه، ورزش باستانی ایرانی، تهران (۱۹۶۴)؛ عبدالحی حبیبی، «جوانمردان و عیاران یا تحقیقاتی تاریخی راجع به یکی از احزاب اجتماعی و سیاسی خراسان»، آریانا ۵ (۱۳۲۶)، صص ۱-۱۰؛ محمدسرور مولایی، «بحثی درباره سمک عیار»، سخن ۲۳ (۱۳۵۳)، صص ۱۱۲۲-۱۱۳۴ و ۱۲۴۷-۱۲۵۶.
۱. خلاصه این مطالب را نگارنده در دومین کنفرانس اروپایی پژوهش‌های ایران‌شناسی که از ۳۰ سپتامبر تا ۴ اکتبر سال ۱۹۹۱ در بامبرگ برگزار شد ارائه کرد.

توجه ویژه به جنگاوران صاحب املاک — آزادان، مرزبانان، دهقانان و اسواران — به بررسی ساختار اجتماعی شاهنشاهی ساسانی می‌پردازم. از آن‌جا که این بزرگان مسئول گردآوری مالیات و فراهم کردن سواره‌نظام سپاه ساسانی بودند و نقش تعیین‌کننده‌ای در «ایرانی مآب کردن» فرهنگ بدوی عرب داشتند، به نظر می‌رسد آوردن مقدمه‌ای در خصوص بخشی از مسائل تاریخی مربوط به آن‌ها به درک بهتر اواخر روزگار ساسانی و اوایل دوران اسلامی کمک خواهد کرد. ارزیابی نظام اجتماعی ساسانی، حتی به‌اختصار، هم ضروری و هم مفید است. ناگفته پیداست که بنیاد این تحقیق ماهیت‌گزینی دارد و ضمن بهره‌گیری فراوان از یافته‌های متخصصان مطالعات ایران‌شناسی، قصد به چالش کشیدن نظریات محکم و اثبات‌شده را ندارد. هرچند که ارائه چیدمانی تازه از مطالب شناخته‌شده در این پژوهش می‌تواند مورد توجه ایران‌شناسان قرار گیرد.

من در ابتدا با توجه به منصب دهقان، که شاهنشاهی ساسانی حاکمیت خود را به واسطه آن در استان‌ها گسترش داد، به بررسی ماهیت قدرت مرکزی در اواخر دوره ساسانی و ارتباط آن با آزادان می‌پردازم. بحث اصلی این بخش این است که انوشیروان برای مقابله با تبلیغات مزدکیان، به تاریخ ایران مسیر تازه‌ای بخشید. او نظامی دوگانه مبتنی بر زمین‌های اعطایی و خدمت نظامی بنا نهاد که به موجب آن آزادان اعتبار حقوقی و سیاسی جایگاه اشرافی خود را بیش از پیش حفظ کردند. آنان همچنین هسته اصلی سواره‌نظام ساسانی و محافظان و نزدیکان پادشاه شدند.

در فصل بعد، توجه خود را به نقش آزادان در دوره خلافت بنی‌امیه تا زمان تأسیس حکومت عباسی معطوف خواهم ساخت. گذار از حکومت ساسانی به عصر اسلامی با تحولی اجتماعی همراه شد که نه تنها ساختار ارضی غالب آن دوره را حفظ کرد، بلکه آن را با محیط بازرگانی روبه‌رشد جهانی نیز ادغام نمود. طبقه نظامی و قبیله‌ای عرب جایگزین جنگاوران ساسانی گردید، اگرچه این جنگاوران تا مدت‌ها پس از استقرار حکومت اسلامی به شکلی منسجم برجای ماندند. باقی ماندن این جنگاوران و مشکلات مربوط به انطباق آن‌ها با شرایط جدید از عوامل اصلی و همیشگی هرج‌ومرج و بی‌ثباتی‌های موجود در دوره خلافت بنی‌امیه بود.

تاریخ حکومت بنی‌امیه در ایران پر از وقایع مهم مرتبط با موالی است. بسیاری از این افراد رزمندگانی ایرانی بودند که بخشی از آن‌ها در عراق خلع‌سلاح شدند ولی بخشی دیگر در خراسان دست‌نخورده باقی ماندند. چه آن‌ها که با عربان به سازش متقابل می‌رسیدند و چه آن‌ها که مستقل ماندند برای امویان «شهروند درجه دو» به شمار می‌آمدند. در این میان، افرادی که از امتیازات اجتماعی محروم بودند دائماً

به شیعیان و خوارج مخالف می‌پیوستند. با گسترش تبلیغات بنی‌عباس در خراسان، اشراف‌زادگان ایرانی با شبه‌نظامیان مسلح خود از آن‌ها حمایت کردند و برخی از امتیازات و حقوق ازدست‌رفته خود را پس گرفتند.

این پیش‌زمینه کلی سیاسی چارچوبی را برای مطالعه عیاران در جامعه اسلامی اولیه فراهم می‌کند. خواهیم دید که هسته اصلی این گروه‌ها متشکل از اسوارانی بود که مسلمانان آنان را در حکم سرباز، محافظ و پاسبان در بصره، کوفه و دیگر شهرهای بزرگ به خدمت می‌گرفتند. اینان آرمان‌های اجتماعی طبقه جنگاور اشرافی [ایرانی] را به مسلمانان منتقل کردند و در پی ادغام این آرمان‌ها با فضایل اخلاقی عربی و اسلامی، پایه و اساس طریقه فتوت بنا گردید. این ادغام را دهقانان، به منزله «روشنفکرانی» که درگیر مسائلی غیرنظامی همچون مباحث شعوبی و جنبش فکری معتزله بودند، انجام دادند.

دهقانان بخش بزرگی از میراث کهن فرهنگ ایرانی را حفظ کردند. آن‌ها در سایه حمایت شعوبیه گذشته پهلوانی پرافتخاری را پی افکندند؛ داستان‌هایی که هرچند بازتاب کم‌رنگی از واقعیات تاریخی بودند، تا حدودی به التیام زخم‌های ناشی از انقیاد و شکست‌های نظامی کمک می‌کردند. از طریق چنین نوشته‌هایی، آرمان‌های آزادگی به منزله مشخصه جهان ایرانی و مردمان «آزاداندیش» تبلیغ می‌شد. در همین حال، نیروهای نظامی محروم صفوف شبه‌نظامیان شهری را پر می‌کردند یا به شورشیان کشور می‌پیوستند. در متن کتاب مدارکی ارائه شده که نشان می‌دهد این تحولات در کدام مناطق و تحت چه شرایط اجتماعی و سیاسی رخ داده‌اند.

این پژوهش اساساً دربارهٔ تطوّر گروه‌ها و انجمن‌های سازمان‌یافته‌ای است که بر پایه نظارت مالی بر کشاورزان یا خدمت نظامی برای ساسانیان و سپس خلفا دست به اقدامات جمعی می‌زدند. چنین گروه‌ها یا انجمن‌هایی یک‌شبه ایجاد نمی‌شوند و به‌سادگی نیز منحل نمی‌گردند. این تشکلات نهادینه‌شدهٔ مردمی همچنان که در اقداماتی مانند مالیات‌گیری، آموزش نظامی، بسیج نیروها و کارزارها شرکت داشتند، از تعالیم اخلاقی بسیار مفصلی (اصول رفتاری و نوع پوشش) پیروی می‌کردند. آن‌ها به عنوان مأمور پادشاهان یا خلفا به خدمت می‌پرداختند، اما از آن‌جا که پایگاه‌های قدرت مستقل و محلی داشتند، می‌توانستند برضد اربابان خود قیام و حتی دعوی استقلال کنند. آن‌ها با فاتحان مسلمان پیوند زناشویی می‌بستند، یا به طبقات پایین‌تر اجتماع، همچون ریش‌سفیدان روستاها، شبه‌نظامیان شهری یا راهزنان، نزول می‌کردند. تحلیل حاضر تغییر جایگاه این افراد بین کارگزاری حکومتی و سرپیچی/جدایی طلبی را ردیابی می‌کند.

نظام اجتماعی اواخر دوره ساسانی

۱.۲. آیا شاهنشاهی ساسانی فئودالی بود؟

از زمان شکل‌گیری مفهوم فئودالیسم در قرن نوزدهم میلادی به این سو، اختلاف‌نظرهای بسیاری بر سر آن در اروپا یعنی محل پیدایش این مفهوم درگرفته است و به‌رغم وجود انواع گوناگون آن، برخی پژوهشگران بر این باورند که این نظام قابل اطلاق به شرایط اجتماعی-سیاسی ساسانیان است.^۱ آرتور کریستنسن ابایی ندارد که همواره از فئودالیسم ساسانی سخن بگوید. رومن گیرشمن نیز وجود نظام فئودالی ساسانیان را امری مسلم می‌داند و از بهره‌وری و تأثیرات متعاقب آن در همتای اروپایی قرون وسطایی‌اش می‌گوید.^۲ باسیل نیکیتین از «فئودالیسم طبقات اجتماعی مسلط» سخن می‌گوید^۳ و ارنست هرتسفلد معتقد است که فئودالیسم ساسانی و شوالیه‌گری در پایان قرن سوم میلادی به طور کامل شکل گرفته بودند.^۴ نینا پیگولفسکایا، پژوهشگر اهل شوروی سابق، استدلال می‌کند که فئودالیسم ایرانی در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی، یعنی در سده‌های سوم تا پنجم میلادی، شکل گرفته است. به نظر وی، در این دوره جامعه برده‌دار جای خود را به جامعه‌ای فئودالی داد که ویژگی‌های آن عبارت بودند از: گسترش شهرها، سلطه جوامع کشاورزی، آزادی نسبی بردگان، تغییر در الگوهای زمینداری، افزایش تقسیم کار، و برآمدن اشرافیت نظامی مرتبط با شاه به واسطه وابستگی‌های فئودالی.^۵ واسیلی بارتولد عمدتاً این تفاسیر را تأیید می‌کند. او بر اساس شیوه‌های آبیاری

1. F. Altheim and R. Stiehl, *Ein asiatischer Staat, Feudalismus unter den Sasaniden und ihren Nachbarn*, Wiesbaden, 1954; G. Widengren, *Der Feudalismus im alten Iran* (Köln, 1969); idem, "Recherches sur le féodalisme iranien," *Orientalia Suecana* 5 (1956), pp. 79-182.

2. Roman Ghirshman, *L'Iran, des origines à l'Islam* (Paris, 1951), pp. 313-14.

3. Basile Nikitine, "La nation iranienne," *Rocznik Orientalistyczny* 15 (1939), p. 205.

4. Ernst Herzfeld, *Archaeological History of Iran*, cited by B. Nikitine, *ibid.*, p. 206, n. 19.

5. Nina Pigulevskaja, *Les villes de l'état iranien aux époques parthe et sassanide* (Paris, 1963), cited by E. L. Daniel, *The Political and Social History of Khurāsān under the 'Abbāsīd Rule 747-820* (Minneapolis, 1970), p. 17.

که در خاور نزدیک ایجاد شده بود، تمایزاتی بین دو گروه از شهرها قایل می‌شود. در بین‌النهرین، شرق ایران و هند آبیاری از طریق مجراهایی که از رودخانه‌های بزرگ سرچشمه می‌گرفت انجام می‌پذیرفت. این امر به تلاش جمعی و مداوم همه افراد جامعه نیاز داشت، هرچند همچون غرب، زمینداران مستقل و نجبایی که در دژهای مستحکم زندگی می‌کردند نیز حضور داشتند. در مرکز و غرب ایران، ایرانیان از مجراهای زیرزمینی (کهریز، کاریز، قنات) که آب را از منابع آبی تپه‌ها و کوهپایه‌های اطراف به روستاها می‌رساند برای آبیاری استفاده می‌کردند. در این مناطق، مالکیت خصوصی زمین و فئودالیسم از بستر رشد بسیار خوبی بهره‌مند شدند.^۱

کلمان هوار، همچون بارتولد، معتقد است که آبیاری مصنوعی به تلاش بسیار و منابع مالی قابل توجهی نیاز داشت که تنها می‌توانست از طریق اقشاری از جامعه که ابزار و قدرت لازم را جهت چنین اقداماتی داشتند تأمین گردد. به نظر او این دلیل اصلی بهره‌کشی فئودالی از خاک در ایران باستان بود.^۲

به‌رغم چنین استدلال‌هایی مبنی بر وجود نظام فئودالی ساسانی، همچنان پژوهشگران غربی به اتفاق نظر نرسیده‌اند که آیا باید وجود نظام فئودالی را تأیید یا رد کنند. بر باندیچ و آر. کولبورن در وجود چنین نظامی تردید کرده‌اند^۳ و ریچارد فرای ظهور فئودالیسم در ایران ساسانی را رد می‌کند و متذکر می‌شود که دوران تاریخی خاور نزدیک در پیش از اسلام بی‌اساس فئودالی خوانده شده است.^۴ فرای در توصیفی موقتی دربارهٔ نظام فئودالی، که در کنفرانسی در سال ۱۹۵۰ در دانشگاه پرینستون ارائه کرد، چنین می‌گوید: «فئودالیسم در اصل نوعی روش حکومت است، نه یک نظام اقتصادی یا اجتماعی.»^۵ او بر مبنای این تعریف چنین نتیجه می‌گیرد:

اگر سخن بر سر نظام‌های سیاسی باشد، یکی از ویژگی‌های برجسته فئودالیسم اروپای غربی تعهد متقابل میان ارباب و رعایایش است. اما ارتباط شخصی قابل اطمینان با

1. Vasilij Barthold, "K voprosu o feodalizm v Irane," *Novyj Boctok* 28 (Moscow, 1930), pp. 109, 113-15.

2. Clément Huart, *Histoire de la Perse antique*, cited by B. Nikitine, "La nation iranienne," p. 206, n. 21.

3. Burr Bundage, "Feudalism in Ancient Mesopotamia and Iran," in R. Coulborn, *Feudalism in History* (Princeton, 1956), pp. 93-119; and R. Coulborn, "The case of Iran," *ibid.*, pp. 324-43.

4. Richard Frye, "Feudalism in Sāsānid and Early Islamic Iran," *JSAI* 9 (1987), p. 13.

5. R. Coulborn, *Feudalism in History*, p. 4.

ویژگی‌های اصلی فئودالیسم اروپایی، آن‌گونه که کولبورن خلاصه کرده است، شامل این موارد می‌شود: پراکندگی قدرت، واگذاری زمین در ازای خدمت نظامی، واگذاری زمین به صاحب‌منصبان ویژه به جای دستمزد، اعطای مصونیت سیاسی، سیادت طبقه نظامی، وجود رعایای کشاورز، سپاه خصوصی، و دربار خصوصی.

قرارداد بنفیس^۱ رسمی می‌شد که عبارت بود از حق گرفتن مالیات یا محصول در ازای اجرای دقیق وظایف در قبال ارباب. چنین نظامی در ایران باستان یا در واقع در هیچ دوره‌ای از تاریخ این سرزمین وجود نداشته است، زیرا چنین تعهدات دوجانبه‌ای تا آنجا که می‌دانیم در کار نبوده است.^۲

مسلماً می‌توان فهرستی از تفاوت‌های دیگر ساختار اجتماعی جامعه باستانی خاور نزدیک و اروپای قرون وسطی برشمرد. تفاوت اصلی این بود که در اروپا اربابان فئودال املاکی داشتند که در آن‌ها کار رعایا را دست‌کم تا حدودی مدیریت می‌کردند و رعایا به کاشت، داشت و برداشت روی زمین‌های اربابان مشغول می‌شدند. تا آنجا که می‌دانیم، از نظر تاریخی وجود چنین املاکی در خاور نزدیک به اثبات نرسیده است: صاحبان زمین یا سرکردگان نظامی هیچ‌گاه کار رعیت را مدیریت و سازماندهی نمی‌کردند، بلکه فقط به گردآوری مالیات می‌پرداختند. به‌علاوه، همان‌طور که فرای اشاره می‌کند، وجود عشایر درون و پیرامون نواحی مسکونی همچون عاملی بازدارنده در شکل‌گیری رعایای کشاورز مشابه آنچه در اروپای غربی بود عمل می‌کرد. تنوع اجاره و مالکیت زمین و همچنین کمبود و اهمیت آب از جمله اصلی‌ترین عواملی بود که در اروپای غربی وجود نداشت. زمین‌های بی‌آب در خاور نزدیک بسیار بودند و حق مصرف آب و توزیع آن همواره مهم‌تر از خود زمین بوده است.^۳

با این‌که فرای در این‌جا با ذکر دلیل اطلاق فئودالیسم به ایران ساسانی را نقد می‌کند، در جای دیگر به‌صراحت از نظام فئودالی ساسانی سخن گفته است.^۴ چنین تضادهایی در پژوهش‌هایی که درباره تاریخ خاور نزدیک در دوران اسلامی صورت گرفته فراوان است. مثلاً اقطاع، نوعی واگذاری حکومتی زمین که نخستین بار در زمان آل بویه و سلجوقیان به کار رفته است، غالباً به فیف^۵ ترجمه شده و با نسبت دادن آن به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی مبنای مقایسه با نظام فئودالی اروپایی قرار گرفته است.^۶ آن لمبتون در پژوهش‌هایش در زمینه اقطاع اسلامی می‌گوید: «برخی

۱. beneficium: در فئودالیسم قرون وسطایی اروپا به واگذاری مشروط زمین برای مدتی معین بنفیس گفته می‌شد. — م.

2. Frye, "Feudalism in Sāsānid and Early Islamic Iran," p. 14.

3. Ibid.

4. Frye, *The Heritage of Persia*, London, 1962.

۵. fief: در فئودالیسم اروپا به واگذاری مشروط زمین برای مدتی معین فیف گفته می‌شد که برخلاف بنفیس جنبه موروثی داشت. — م.

6. A. N. Poliak, "La féodalité islamique," *REI* 10 (1936), pp. 247-65; F. Løkkegaard, *Islamic Taxation in the Classic Period* (Copenhagen, 1950), pp. 38-72; F. Nomani, "The Origins and Development of Feudalism in Iran," *Tabḥiqāt-i Iqtisādī* 27/28 (1972/1351), pp. 5-61.

شباهت‌های ظاهری میان جامعه و اجاره زمین در ایران قرون میانه و برخی انواع فئودالیسم در اروپای غربی عده‌ای را بر آن داشته است تا از اصطلاح فئودالیسم برای جامعه و حکومت در ایران استفاده کنند.^۱ طبق پژوهش‌هایی که لمبتون انجام داده، تفاوت‌های بی‌شمار بین این دو جامعه اطلاق اصطلاح فئودالیسم به ایران سده‌های میانه را مشکل‌آفرین می‌کند. از همه مهم‌تر این‌که اعضای طبقه نظامی متشکل از افراد آزاد و بردگان در شهرها متمرکز بودند، نه این‌که همچون اروپای غربی در قلعه‌ها پراکنده باشند. تفاوت قابل‌توجه دیگر گسترش فراوان بازرگانی در قلمرو خلافت عباسی بود و این واقعیت احتمال وجود نظام فئودالی را کاهش می‌دهد.

با این‌که لمبتون به شکلی قابل قبول وجود نظام فئودالی در ایران دوران اسلامی را زیر سؤال می‌برد، به نظر می‌رسد که او نیز وجود فئودالیسم در ایران پیش از اسلام را باور دارد.^۲ اما نسبت دادن مفاهیم اروپایی به تشکیلات اقتصادی و سیاسی شرق باستان بیش از هر چیز هم نشان‌دهنده عدم شناخت دقیق از مشخصه‌های جامعه ساسانی است و هم استمرار تلاش‌های پژوهشگران در طبقه‌بندی ماهیت بسیار پیچیده مناسبات سیاسی و اقتصادی در آن جامعه. بی‌شک ساده کردن هر مسئله امری مطلوب است، ولی ساده‌سازی افراطی ممکن است موجب گمراهی تاریخ‌پژوهانی شود که به دنبال توضیح پدیده‌های پیچیده‌ترند، و به نظر من این قضیه در موضوع مورد بحث نیز پیش آمده است.

یکی از پیش‌فرض‌های اولیه که در مبحث فئودالیسم مطرح می‌شود وجود طبقات اجتماعی تفکیک‌شده است. ایران ساسانی نیز لاجرم از این قاعده مستثنا نیست. با در نظر گرفتن وضعیت جمعیت شهری پیشه‌ور و بازرگان، عموماً تصور می‌شود که جامعه ایرانی به گروه‌های گوناگون اجتماعی تقسیم شده بود و مکرر به مطالبی در مورد تقسیم‌بندی اجتماعی چهارگانه مشهور ایرانیان برمی‌خوریم. منابع پهلوی و عربی و همچنین سنت رسمی زردشتی بیانگر این‌اند که جامعه ساسانی و حتی سلف اشکانی آن به چهار دسته مجزا به نام‌های موبدان یا طبقه روحانی (asrawān)، جنگاوران (artištārān)، دبیران (dabīrān)، و عامه مردم (کشاورزان یا wāstryōšān و پیشه‌وران یا hutōxšān) تقسیم می‌شدند. هر کدام از این گروه‌ها رهبری داشتند که به ترتیب موبدان موبد، ایران سپاهبد، ایران دبیرانبد، و واستریوشانبد یا واستریوشان‌سالار

1. A. K. S. Lambton, "Reflections on the *Iqtā*," in *Arabic and Islamic Studies in Honor of Hamilton A. R. Gibb* (Leiden, 1965), p. 358.

2. *Ibid.*, p. 359; *Landlords and Peasants in Persia* (London, 1953), pp. 10-16.